



The Mission of Agents of Islamic System in the Face of Social Harms

(with an Emphasis on the Agreement of Malik Ashtar)

Laleh Eftekhari *

Received on: 20/11/2021

Accepted on: 23/02/2022

Abstract

The technological advances have underlain the acceleration of affairs, the disappearance of borders, and the impressive extension of the relations among societies and world's nations. The fast and borderless relations among nations, subcultures, and different cultures have become a means to increase human's information, and on the other hand, a threat to people, families, and societies, on the other hand. These threats are about to show their real face in the form of not only social harms, but also social disasters in the near future. Obviously, our country cannot also consider itself as a country being on the safe side of social harms; in addition, it is not possible to remove society's problems without the important role of law, agents, and people. Thus, this article aimed to discuss the mission of agents in the face of social harms using the agreement of Malik Ashtar, and to offer solutions according to the current circumstances. It is necessary to say that this documentary-descriptive article applied the library sources.

Keyword: Imam Ali, social harms, preventive solutions, agreement of Malik Ashtar, agents of system.

* Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahed University. (Corresponding Author)
eftekhari@majlis.ir



رسالت کارگزاران نظام اسلامی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر عهدنامه‌ی مالک اشتر)

لاله افتخاری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

چکیده

پیشرفت تکنولوژی زمینه‌ساز سرعت بخشیدن به امور، از میان رفتن مرزها و گسترش چشمگیر ارتباطات میان اقوام و ملت‌های جهان شده است. رابطه‌ی سریع و بدون چارچوب میان ملت‌ها، خورده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های گوناگون از یک سو وسیله‌ای برای افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات بشر و از سوی دیگر تهدیدی برای افراد، خانواده‌ها و جوامع گشته است. تهدیداتی که امروز می‌رود تا نه تنها در قالب گونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی، بلکه در آینده‌ای نه‌چندان دور به صورت بحران‌هایی اجتماعی چهره‌ی حقیقی خود را نشان دهد. بدیهی است کشور ما هم نمی‌تواند خود را در حاشیه‌ی امنی از آسیب‌های اجتماعی ببیند. از سویی رفع مشکلات جامعه بدون حضور پر رنگ اضلاع مثلث قانون، مسئولین و مردم امکان‌پذیر نیست. لذا این مقاله در پی آن است که با بهره‌گیری از عهدنامه‌ی مالک اشتر، رسالت مسئولان در جهت مواجهه با آسیب‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده، متناسب با شرایط عصر حاضر، راهکارهایی را ارائه کند. لازم به ذکر که این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش اسنادی-توصیفی تحلیل شده است.

کلمات کلیدی: امام علی (ع)، آسیب‌های اجتماعی، راهکارهای پیشگیری، عهدنامه مالک اشتر، کارگزاران نظام.

* استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد. (نویسنده مسئول)

بیان مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین تهدیدات جوامع گوناگون، آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «درست است که ما در کشور در درجه‌ی اول، مساله اقتصادی را داریم و خود مشکلات اقتصادی هم (به‌عنوان) یکی از آن عوامل ریشه‌ای این مفاسد مورد توجه ماست، لکن مساله فساد اجتماعی یکی از بیماری‌هایی است که هر روزی که بر آن بگذرد و علاج نشود عمق بیشتری پیدا می‌کند و علاجش دشوارتر خواهد شد.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۲/۱۱) از سویی مبنای نظام مقدس جمهوری اسلامی، آموزه‌های ثقلین و اضلاع سازنده‌ی آن اسلام، امام و امت یا همان قوانین، مردم و مسئولین می‌باشد که هر یک از اهمیت خاصی برخوردار است که بدون آن هیچ‌گونه اقدامی به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده، بلکه آسیب‌زا خواهد بود. (و فرمایشات معصومین) درباره‌ی آسیب‌ها و پیامدهای آن در اقوام و اجتماعات مختلف مطالبی مطرح و راهکارهای پیشگیری و درمان آسیب‌ها نیز به‌طور کلی بیان شده است. (بیگری و همکار، ۱۳۹۵) باید توجه داشت که دین اسلام برای همه‌ی ابعاد زندگی بشر برنامه دارد (باقری، ۱۳۸۴) و به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد. (فولادی، ۱۳۸۹) و همان‌گونه که علی (ع) در عهدنامه در عوض کلمه «اصلاح»، واژه‌ی «استصلاح» را بکار برده‌اند، برنامه‌های حکومت باید زمینه‌ی اصلاح را فراهم کند... (استادی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴) و برخلاف حکومت‌های دنیا، در ارزیابی حکومت اسلامی، مساله‌ی اصلی، صلاح و اصلاح مردم است. یعنی اگر همه‌ی مردم مالیات پردازند، همه‌ی کشور آباد شود، از نظر نظامی هم موفق باشند ولی مردم به سمت وسوی صلاح و اصلاح نباشند آن حکومت، اسلامی نیست. (استادی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴) و زمانی جامعه اسلامی به سوی صلاح می‌رود که مسئولین آن خود، صالح باشند. لذا پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «لایصلح عوام امتی الابخواصها» پرسیدند خواص امت شما کیانند؟ فرمود: خواص امت من چهار گروه‌اند: ۱. حاکمان ۲. دانشمندان ۳. عابدان ۴. تجار. (استادی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶) و در توضیح آن فرمود: «الملوک رعاه الخالق فاذاکان الراعی ذئبا فممن یرعی الغنم» (استادی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶) یعنی حاکمان، سرپرستان (و به منزله چوپان) مردمند اگر چوپان گرگ باشد چه کسی چوپانی و نگهبانی گوسفندان را انجام می‌دهد؟ از این رو است که اخلاق و منش فردی و سلوک جمعی و اجتماعی مسئولان در صلاح و فساد ملت‌ها بسیار تأثیرگذار است. از این رو امام علی (ع) هنگامی که مالک اشتر را به‌عنوان والی مصر برگزید دستورالعملی با وی همراه ساخت که از هر جهت باید ملاک عمل مسئولان قرار گیرد

و تخلف از آن آسیب‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ آسیب‌هایی که منشأ آن رفتار مسئولان است.

۱. هدف پژوهش

یکی از منابع و متون غنی اسلامی، «منشور حکومت‌داری علوی» یا عهدنامه مالک اشتر می‌باشد که با توجه به شخصیت صاحب آن، جامعیت و شباهت ویژگی‌های زمان صدور آن یعنی اواخر دهه‌ی چهارم حکومت اسلامی با شرائط کنونی، جهت الگوبرداری از روایی خاصی برخوردار است و از آن جا که در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی مسئولان نقش به‌سزایی دارند، مقاله‌ی حاضر بر آن است تا این عهدنامه را با تأکید بر رسالت کارگزاران در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار دهد تا حاصل آن بتواند دستمایه‌ای برای تصمیم‌سازان نظام، جهت طراحی الگویی کارآمد به‌منظور پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی باشد.

۲. سؤالات پژوهش

در ایجاد انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا، عوامل متعدد فردی، روانی، محیطی و اجتماعی (مشکلات موجود در خانواده، طلاق، فقر،...) و سیاسی (نقش کارگزاران) را باید مؤثر دانست. چرا که رفتار و نحوه‌ی نگرش و عملکرد مسئولان در درمان، مقابله با پیدایش آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است از این‌رو نمی‌توان به‌یک‌باره بزهدار را به‌عنوان علت‌العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت. بلکه باید در پی یافتن سبب اصلی بود و بزهدار را معلول و آسیب‌دیده از عوامل متعدد دید که بعضی از آن متأثر از تصمیمات، سیاست‌ها و یا رفتار اداری یا خانوادگی و شخصی مسئولین یک حکومت است. برای مثال تصمیم نادرست مسئولین در مورد مسائل خانوادگی می‌تواند موجب فروپاشی خانواده‌ها گردد و فروپاشی خانواده به فروپاشی جامعه منجر خواهد شد. (جودی و همکار، ۲۰۰۳) مثال دیگر «فرهنگ عمومی دیگر، خانواده‌های بچه‌دار را الگوی آرمانی خانواده نمی‌داند و حول محور مصرف‌گرایی می‌چرخد؛ چیزی که حضور کودکان، مانع از تحقق آن می‌شود.» (جانسون و همکار، ۱۹۹۱، ص ۳۹۳)

از سویی اجرای احکام الهی، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را اقتضاء می‌کند. امام خمینی (ره)

در این رابطه می‌فرماید: «هرکس بگوید که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، در واقع ضرورت اجرای احکام اسلام را منکر شده و خواهان متوقف کردن آن است و در نتیجه جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.» (فتحی، ۳۴۵) ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «کسانی که در حکومت هستند و در دستگاه‌های دولتی هستند، سیره‌ی آن بزرگوار (امام علی) را در نظر بگیرند و ببینند که باید چه کنند...» (سعادت‌مند، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵) زیرا برخلاف نظام غربی که نگاه اومانیستی و مادی‌گرایی دارند و برای خداوند در مدیریت نظام آفرینش اراده‌ای قائل نیستند. سبک رهبری ولایی، وجود خودش را در ذیل مدیریت الهی تصور می‌کند. (قربانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴) لذا در حکومت اسلامی، وظایف و مسئولیت‌های سیاسی امام بسیار گسترده است. (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷) زیرا در دیدگاه رایج دینی حاکمیت از آن خداست «ان الحکم الا لله» (یوسف، ۴۰) و حکومت و مدیریت جامعه تنها از آن مدیر و مدبر مطلق هستی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۲) مطابق این دیدگاه، امام معصوم (ع) نیز به صرف اینکه معصوم است حق حاکمیت بر مردم را ندارد مگر به اذن خداوند. (احمدی حاجیکلاهی، ۱۳۹۶، ص ۶۱) از نظر اسلام حاکم مسلمین خدمتگزار آن‌هاست و در حقیقت از طریق ولایت پیامبر (ص) و معصومین به نیابت از امام معصوم (ع) باید حاکمیت الهی که پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست را فراهم سازد. و همان‌گونه که خداوند از یک سو بیرون آوردن مردم از ظلمات گمراهی به سوی نور هدایت (بقره، ۲۵۵) و از دگرسو تأمین رزق و معاش آن‌ها را عهده‌دار گشته (شوری، ۲۸) پیامبر و ائمه و به تبع آنان، حاکمان دینی نیز باید در جهت رفع مشکلات معیشتی و اعتقادی مردم قیام کنند. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که ۱. از نظر عهدنامه مالک اشتر، ویژگی‌های حاکم اسلامی کدام است؟ و نقش آن در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی چیست؟ ۲. افشار گوناگون جامعه از نظر عهدنامه کدامند؟ و تاثیر توجه به آن‌ها در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی چیست؟

۳. روش تحقیق

این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش اسنادی - توصیفی، پس از ارائه‌ی توضیحات مقدماتی در خصوص عهدنامه مالک اشتر، به بررسی مقدمه و سپس مفاد آن در مورد ویژگی‌ها یا

اخلاق و منش فردی و رفتار و منش اجتماعی و مدیریتی مسئولان و ضرورت توجه به اқشار گوناگون جامعه پرداخته، ضمن تحلیل این موارد، نقش آن‌ها در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی را تبیین می‌کند.

۴. پیشینه تحقیق

درزمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، اقداماتی در قالب پژوهش، کتاب و پایان‌نامه انجام گرفته است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌گردد.

- معروف خانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «بررسی و تحلیل آسیب‌های اجتماعی در ادعیه شیعی»، چنین نتیجه می‌گیرد که ادعیه‌ی منقول از معصومین (ع) نشان از نگرش جامع آن‌ها به تمام ابعاد زندگی انسان است و داشتن حیات جمعی، اجتناب‌ناپذیر است و چون زندگی انسان پیوسته با آسیب‌ها و انحرافات روبرو می‌باشد که مدیران جامعه باید پیوسته در پی یافتن مصادیق و ماهیت آسیب‌ها و همچنین شیوه‌ی پیشگیری و کنترل آن باشند.

- رضایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «آسیب‌های اجتماعی فراروی امنیت کشور» ضمن تأکید بر ضرورت شناسایی مسائل، معضلات و آسیب‌های اجتماعی فراروی امنیت کشور و ترسیم وضع موجود، و مطلوب، به مولفه‌های اساسی آسیب‌های اجتماعی دست یافته است.

- کارگرشریف آباد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران» پس از بررسی مهم‌ترین مولفه‌های آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در ایران و تأثیرات آن چنین نتیجه می‌گیرد که عدم توجه به آسیب‌شناسی تغییرات، تبادل و تداخل فرهنگی، عوارض و پیامدهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

- محمدی (۱۳۸۳) در کتاب خود «بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۷۰-۱۳۸۰)» ضمن بررسی نظریه‌های جامعه‌شناسی و اسلامی در رابطه با آسیب‌های اجتماعی، به ذکر و تبیین مولفه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی زنان پرداخته، چنین نتیجه می‌گیرد که آسیب‌سازی در انحصار مردان نیست و زنان نیز در آن سهم قابل توجهی دارند.

۵. اهمیت پژوهش

از آن جا که جمهوری اسلامی الگویی مبتنی بر مردم سالاری دینی و متفاوت از ساختارهای متعارف جهان و مبتنی بر مفاهیم و متون دینی را ارائه می‌کند، نپرداختن به مسائل آن در زمینه‌های گوناگون از جمله در موضوع مهم مواجهه با آسیب‌های اجتماعی نیز باید از طریق بهره‌گیری از همان متون انجام پذیرد و تجربیات موفق دنیا هرچند نباید مورد غفلت قرار گیرد لیکن نمی‌تواند پاسخگوی این مهم باشد. لذا الگوگیری از حکومت عدل علوی (ع) کارآمدترین راهکار می‌باشد. پژوهش‌هایی در خصوص آسیب‌های اجتماعی در رابطه با زنان، نگرش و راهکارهای متون دینی برای حل این مشکل و غیر آن انجام گرفته است، لیکن تحقیقی که به‌طور خاص به نقش و رسالت کارگزاران در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و به‌ویژه با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر صورت نگرفته است.

۶. تعاریف

در این بخش به توضیح اجمالی در خصوص بعضی لغات و اصطلاحات پرداخته می‌شود:

۶-۱. آسیب‌های اجتماعی

درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی، تعاریف گوناگون مطرح شده است. بعضی گفته‌اند که آسیب‌های اجتماعی به دسته‌ای از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری افراد یک جامعه چه به‌صورت فردی و یا جمعی اطلاق می‌شود که ریشه در بی‌نظمی‌ها، کژکارکردی‌های پدیده‌های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب آن‌ها دارد. این آسیب‌ها غالباً باعث رنجش روانی، جسمی و مادی اقشار خاص و آسیب‌پذیر جامعه می‌شود. (mehkam.com, 1397/4/9, 10/35) به‌عبارت‌دیگر، آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌گردد. (mehkam.com, 1397/4/9, 10/35) و نیز وقتی تعداد جرائم و بزهکاری‌ها از حد معینی در یک جامعه گذشت، می‌توان از آن به‌عنوان یک بیماری اجتماعی یا آسیب نام برد. (فهم، ۵) آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) اما، عبارت

است از مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری و...، همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه‌ی شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی. (view.'article'https://hawzeh.net. 1397/4/9,22/30) به‌عبارت‌دیگر آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه‌ی خاستگاه اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی است. (view.'article'https://hawzeh.net. 1397/4/9,22/30)

۲-۶. مالک اشتر

مالک بن اشتر نخعی از جمله یاران و اصحاب راستین علی (ع) است. به گفته‌ی ابن ابی‌الحدید، او جنگ‌جویی دلیر و از بزرگان شیعه بود و امام علی (ع) پس از شهادتش درباره‌ی او فرمود: «خدا رحمت کند مالک را، او برای من همان‌گونه بود که من برای رسول خدا بودم.» (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷) در جریان جنگ صفین امام (ع) می‌فرماید: «ای کاش در میان شما دو نفر همانند مالک وجود داشت؛ نه، کاش در میان شما یک نفر همانند مالک بود.» (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

۳-۶. عهدنامه مالک اشتر

نهج‌البلاغه گلچینی از گفته‌ها و نوشته‌های علی (ع) است که به‌وسیله‌ی سید رضی متوفی به سال ۴۰۶ گردآوری شد. چیزی که مایه‌ی حیرت است، این‌که قسمتی از محتوای نهج‌البلاغه را چه در کشور شیعه ایران و چه در کشورهای عربی، اولین بار «بی‌خداها» و یا «باخدا»های غیرمسلمان کشف کرده‌اند. (مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۳) البته آن‌ها برای توجیه پاره‌ای از بدی‌های اجتماعی خود اقدام کردند... لیکن نتیجه این شد که به‌جای این‌که علی و نهج‌البلاغه آن‌ها را توجیه نمایند آن‌ها را شکست دادند. (مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۳)

این کتاب شامل سه بخش خطب، نامه‌ها و کلمات قصار است که عهدنامه مالک اشتر یکی از ۷۹ نامه‌ی آن است. در نامگذاری این نامه، گاهی به جنبه‌ی لفظی و گاهی به جنبه‌ی معنوی و محتوایی آن توجه شده و بدین‌جهت اسامی مختلفی مانند عهد، کتاب، عهدنامه مالک، فرمان امام به مالک، نامه امام به مالک، آیین‌کشورداری، سیمای کارگزاران یا منشور مملکت‌داری و امثال این‌ها بر آن نهاده‌اند. که همه‌ی آن‌ها به یک حقیقت زیبا و مهم توجه دارند و آن، اداره‌ی مملکت بر اساس

خدا محوری و دین داری است. (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶) این عهدنامه که پنجاه و دومین نامه‌ی نهج البلاغه است با عنوان اخیر در سازمان ملل متحد شناخته شده است.

۷. رسالت کارگزاران در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی با بهره‌گیری از عهدنامه مالک اشتر

عهدنامه مالک اشتر در حقیقت نامه‌ای جامع و کامل است که از چند بخش تشکیل شده است؛ بخش اول مقدمه‌ی آن می‌باشد که همچون چکیده‌ی مقاله، محورهای اصلی و کلی شرح وظایف والیان را معرفی می‌کند. بخش بعدی متن نامه را تشکیل می‌دهد. مقدمه شامل محورهای زیر است:

۱. جمع‌آوری مالیات
۲. جنگ با دشمنان
۳. اصلاح وضعیت مردم
۴. عمران و آبادانی شهرها.

اما پس از ذکر مقدمه، نوبت به متن آن می‌رسد. این بخش که کلیات حکومت‌داری در آن ذکر شده است را می‌توان به دو قسمت متمایز تقسیم کرد: الف: ویژگی‌های فردی یا بایدها و نبایدهایی که یک والی باید بداند. ب: ویژگی‌های رفتاری - اجتماعی حاکم دینی.

۱-۷. ویژگی‌های فردی حاکمان

علی (ع) در عهدنامه نه تنها درباره‌ی کلیات حکومت‌داری، بلکه در مورد ویژگی‌ها و رفتارهای فردی شخص حاکم مطالبی به مالک متذکر شدند که هرچند که وی به جهت شهادت موفق به اجرای آن نشد، اما در قالب منشور حکومت‌داری در تاریخ جاودان ماند که آگاهی از آن می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. چراکه خصوصیات اخلاقی و شخصیتی حاکم دینی از درجه‌ی بالای اهمیت برخوردار است تا آن جا که دوران ۱۳ ساله‌ی مکی رسالت پیامبر اکرم (ص) را می‌توان دوران کادرسازی نامید. لذا مسائل مورد نیاز آن در آیات و سوره‌ی مکی تبلور یافته است و پس از طی این دوران است که نبی مکرم اسلام (ص) در بدو ورود به مدینه حکومت اسلامی را تاسیس می‌کند. و آیات الهی نیز همسو با نیاز آن دوران به تشریح احکامی همچون جهاد، امر به معروف، زکات و غیره می‌پردازد که لازمه‌ی اجرای آن، برخورداری از ساختار حکومتی و به‌ویژه کارگزارانی تربیت شده برای ایفای مسئولیت می‌باشد. زیرا در صورت عدم توجه بدان، رفتار غیرکارشناسانه حاکم مسلمین، خود آسیب‌زا خواهد شد. از آن جا که در

فاصله‌ی زمانی میان دوران نبوی تا ایام کوتاه خلافت علوی خلافت و حاکمیت مسلمین از مسیر وحی فاصله گرفت، امام (ع) بخشی از عهدنامه را به بیان ویژگی‌های فردی حاکم اختصاص می‌دهد تا با رعایت آن بتواند علاوه بر زدودن آسیب‌های موجود، به پیشگیری از آسیب‌های احتمالی پیش رو نیز بپردازد. ویژگی‌هایی که آگاهی از آن می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی در دوران پس از صدر اسلام، امروز و آینده باشد. بعضی این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۷-۱. عید و بنده خدا بودن

در سرآغاز این نامه، امام (ع) خود را به‌عنوان «عبدالله» معرفی می‌کند و مالک را از سوی خود مامور می‌داند و می‌فرماید: «هذا ما امر به عبدالله...» تا به او بفهماند که اگر مولای تو بنده خداست باید مهم‌ترین ویژگی تو عبد و بنده خدا بودن باشد. چراکه این ویژگی سبب می‌شود حاکم و والی به خلق به‌عنوان عیال الله بنگرد و خدمت به آنان را عبادت بشمارد، نه هدف و طعمه‌ای برای رسیدن به مقام و قدرت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «ما مردم را باید عائله خودمان بدانیم. ما مسئولین کشوریم دیگر... به مساله آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور جوری نگاه کنیم که اگر این آسیب در داخل خانواده خود ما بود، آن جور نگاه می‌کردیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۲/۱۱)

۷-۲. تقوا

«امر به تقوی» امام علی (ع) پس از ذکر محورهای کلی مأموریت حاکم مسلمین، مالک را به تخلیق به صفاتی فرمان می‌دهد که در راس آن تقوا قرار دارد، زیرا تقوی سپری برای حفظ ایمان فرد می‌باشد. رسالت کارگزار جامعه اسلامی همان رسالت نبوی (ص) یعنی برداشتن بارهای سنگین انحرافات و گشودن غلغله‌های مظاهر مادی و فساد است که او را از رسالت خلیفه الهی‌اش باز می‌دارد و جامعه را به انواع آسیب‌ها دچار می‌سازد. لذا خداوند می‌فرماید: «لیضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (اعراف، ۱۵۷) دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران در این باره چنین است: «تقوی برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند لازم تر... (زیرا) اگر تقوا نداشته باشند این به همه‌ی کشور سرایت می‌کند. و همه‌ی کشور را یک وقت - خدای

نخواستہ - به بادمی دهد» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص ۱۲۲) و نیز می‌فرمایند: «من مسئول دولتی و حکومتی، یا من روحانی باید مواظب باشم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴) و «تقوا یعنی این‌که مواظب خود باشیم. این امر به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر فردی را در هر جا که هست و هر عضوی از اجزای دولت را - از اجزای عالی‌رتبه تا کارمندان را - در بر می‌گیرد» (سیاهپوش و همکار، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹)

۷-۳. مقدم شمردن احکام الهی بر غیر آن

والی مسلمین باید علاوه بر مسائل شخصی در امور جامعه نیز، اجرای احکام اسلامی را بر غیر آن اولویت دهد، لذا می‌فرماید: «و ایثار طاعته». در اینجا ایثار دو معنا می‌تواند داشته باشد؛ یا به معنی مقدم داشتن و یا به معنی اختیار نمودن است. «و اگر به معنای اختیار باشد یعنی اگر امر دائر شد بین اطاعت از حق یا خلق، والی در حکومت اسلامی باید اطاعت از حق را انتخاب نماید.» (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵) و در ادامه کلام، حضرت، این ایثار و انتخاب را تنها راه و سبب دستیابی به سعادت و تبه‌سازی و بی‌توجهی بدان را تنها عامل نگون‌بختی می‌داند. نکته جالب‌توجه به کار بردن ساختار حصر است، یعنی بشر برای رهایی از تمامی بدبختی‌ها و مشکلات خویش که آسیب‌های اجتماعی نیز از آن جمله است، راهی جز اطاعت از اوامر و دوری از نواهی الهی ندارد و دیگر راه‌ها سرابی بیش نیست. از این رو امروزه در کشورهایی که اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی با نگاه غیرالهی در آن‌ها اجرا می‌شود، بیشترین آمار خشونت و تبعیض، قتل و بزه را شاهد هستند.

۷-۴. بکارگیری تمام امکانات برای یاری دین خدا

«(امره) ان ینصرالله بقلبه و یده و لسانه فانه جل اسمه قد تکفل بنصر من نصره و اعزاز من اعزه» یعنی حاکم اسلامی باید با به کارگیری تمام امکاناتی که در اختیار دارد، به یاری خداوند اقدام کند تا بتواند زمینه‌ی جلب یاری پروردگار را فراهم سازد و از این طریق ضعف و ناتوانی خود در برابر اصلاح انحرافات و مفساد جامعه را جبران کند. توضیح آن که خداوند «صمد» نیازمند نصرت نیست بلکه بر اساس آیه «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» (سوره‌ی محمد، ۷) یاری خداوند از طریق اجرای احکام و اوامر الهی به‌ویژه در مورد مترفین و صاحبان زر و زور و تزویر و تبهکاران و دفاع از مظلومان، توسط والی تحقق می‌یابد. در این صورت است که غاصبان بیت

المال، ذخائر نظام اسلامی و چپاولگران بیت المال، صاحبان آن تلقی نخواهند شد و مردم با نظام اسلامی احساس همبستگی خواهند داشت و خود، بزرگترین مدافع آن خواهند بود. حاکمیت قانون تحقق خواهد یافت و تحمل اجرای حدود و احکام الهی برای مجرم نیز قابل پذیرش می‌شود. فحشاء و منکرات از جامعه دور و خانواده‌ها مستحکم و نسل‌ها سالم می‌گردد.

۷-۱-۵. مراقبت نفس

«امرہ ان یکسر نفسہ من الشهوات و یزعها عند الجمحات فان النفس امارہ بالسوء الا مارحم الله» پیروی از هوای نفس مهم‌ترین عامل سقوط انسان‌ها به‌ویژه زمامداران امور است. حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان اتباع الهوی و طول الامل» (شریف رضی، بی تا، ۴۲) در آیات قرآن کریم نیز نفس اقسامی دارد همچون نفس اماره (سوره‌ی یوسف، ۵۳)، نفس لوامه (سوره‌ی قیامت، ۲)، نفس مسوله (سوره‌ی یوسف، ۱۸)، نفس ملهمه (سوره‌ی شمس، ۷) و نفس مطمئنه (سوره‌ی فجر، ۲۷). اما نفس اماره به‌گونه‌ای است که پیوسته صاحب خود را به بدی‌ها امر می‌کند. از این‌رو حضرت از مالک می‌خواهد به کمک تقوا در برابر شهوات نفسانی مقاومت کند تا از این طریق در هزینه‌کرد و توزیع بیت‌المال و واگذاری امکانات و سپردن مناصب بر اساس استحقاق یا تقوا و تخصص افراد عمل کند و دست اطرافیان خود را از دستیازی به حقوق مردم کوتاه سازد.

۷-۲. آنچه یک والی باید بداند

پس از ذکر ویژگی‌های فردی والی، حضرت به مطالبی که وی برای عهده‌داری امور مسلمین باید بداند و بدان پایبند باشد توصیه می‌کند که آن نیز بخشی به نگرش و رفتار والی مرتبط است و بخش دیگر به الزامات کاری او و به تعبیر ابن میثم، حضرت امیر وصایا و اوامری در مورد اعمال صالحه دارد که متعلق به احوال ولایت و تدبیر ملک و مدینه است. (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰)

باید توجه داشت که این بخش را نیز می‌توان به چند محور تقسیم کرد که به‌اختصار عبارت‌اند از:

۷-۲-۱. توجه به مردم و رسالت خویش نسبت به آنان

این نیز چند زیر محور دارد. شامل:

۷-۲-۱- توجه به نگرش و قضاوت مردم نسبت به خود

«ثم اعلم یا مالک انی قد وجهتک الی بلاد قد جرت علیها دول قبلک من عدل و جور وان الناس یظنرون من امورک فی مثل ما کنت تنظر فیه من امور الولاہ قبلک ویقولون فیک ما کنت تقول فیهم وانما یستدل علی الصالحین بما ینجزی الله علی السن عبادہ» والی مسلمین در عین آن که رضای خالق را بر رضای رعیت ترجیح می‌دهد، باید به نظرات مردم درباره‌ی خود بنگرد، زیرا خداوند بر اساس ارزیابی مردم نسبت به عملکرد صالحان با آن‌ها رفتار می‌کند. قضاوت مردم تا بدانجا اهمیت دارد که خداوند در دعای حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: «و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین» (سوره‌ی شعراء، ۸۴) و در آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی مریم از اعطاء نام نیک به ابراهیم، اسحاق و یعقوب سخن می‌گوید. از این طریق حاکم مسلمین می‌تواند از یک سو از حمایت مردم بهره‌مند شود و از سوی دیگر با شناخت دقیق از مطالبات، نیازمندی‌ها، توانمندی‌ها، خطرهای و تهدیدات پیش روی آن‌ها با تدبیر به هنگام، از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند.

۷-۲-۲- مهربانی و محبت نسبت به رعیت

«واشعر قلبک الرحمه للرعیه و المحبه لهم» امام (ع) از مالک می‌خواهد تا نسبت به مردم با لطف و مهربانی رفتار کند. این همان دلسوزی‌ای است که پیامبر اکرم (ص) را نزد مردم، محمد و ستوده ساخت و عامل همگرایی میان ایشان و مسلمانان گردید که «فبما رحمہ من الله لنت لهم و لو کنت فضا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (سوره‌ی عمران، ۱۵۹) و این همگرایی زمینه‌ساز موفقیت حاکم در اجرای برنامه‌های خود است و در مقابل آن، رفتار خشن و غیر منعطف حاکم قرار دارد که سبب واگرایی میان حکومت و مردم گشته تحمل و صبر آنان در برابر مشکلات را ضعیف ساخته و بستر ساز شورش و تشنج در جامعه می‌گردد.

۷-۲-۳- نگاه الهی - انسانی نسبت به مردم

«و لا تکون علیهم سبعا ضاریا تغتتم اکلهم فان الناس صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» نگاه غیر الهی - انسانی والی به رعیت، سبب واگرایی میان ایشان می‌گردد و اتحاد ملی را کم‌رنگ ساخته و زمینه‌ی نفوذ و سلطه‌ی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و احیاناً نظامی بیگانگان بر مملکت اسلامی را فراهم می‌گرداند. در چنین شرایطی فرهنگ اسلامی و خودی واژگونه و مذموم

جلوه می‌کند؛ اعتماد مردم به مسئولان کم‌رنگ می‌گردد؛ تولید ملی آسیب می‌بیند و بیکاری به‌عنوان پیامد آن، گریبان جامعه را می‌گیرد و به دنبال آن امکان ازدواج جوانان ضعیف شده، انحرافات اخلاقی، فساد و فحشاء جایگزین آن می‌گردد. بنیان خانواده‌ها سست گشته، خطر افزایش طلاق بروز می‌کند. و آمار بزه، سرقت، رشوه، جرم و قتل بالا می‌رود و اعتیاد به مواد مخدر و مسکرات و روانگردان‌ها برای به فراموشی سپردن مشکلات فراگیر می‌شود و بدین طریق آسیب‌های اجتماعی به‌صورت بحران شکل می‌گیرد. لذا حضرت به مالک گوشزد می‌کند که باید به مردم نگاه الهی - انسانی داشته باشی و مبادا چون حیوانی وحشی دریدن آن‌ها را غنیمت شماری و نباید از آن‌ها بهره‌کشی کنی، زیرا آن‌ها دو گروه‌اند: یا برادر دینی تو و یا شبیه تو در خلقتند. ۱. شهید مطهری در مورد برادری آحاد یک ملت چنین می‌گوید: «ما وقتی می‌خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکدیگر تحریک کنیم می‌گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند. یا می‌گوییم افراد بشر همه برادر و عضو یک خانواده هستند» (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶)

۴-۱-۲-۷. خطاپوشی و عفو نسبت به مردم

«فاعطهم من عفوک و صفحک مثل الذی تحب و ترضی ان یعطیک الله من عفوه و صفحه» از آن جا که والی مسلمین در حقیقت وسیله و عامل اجرای حاکمیت الهی بر روی زمین است، باید تلاش کند مظهر اسماء و صفات الهی از جمله غفار، غفور، تواب، ستار است را در خود تقویت نماید. از این‌رو حضرت مالک را به خطاپوشی و چشم‌پوشی از لغزش‌ها و اشتباهات مردم سفارش می‌کند، زیرا فلسفه‌ی تشریح نظام کیفری اسلام، تشکیل جامعه‌ی سالم بر مبنای سالم‌سازی محیط زندگی و پیشگیری از جرائم است تا بشر در پی آشنایی با وظائف فردی و اجتماعی‌اش، از انجام هرگونه انحراف خودداری ورزد.» (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۵۱) بدین سبب، اقداماتی که امروزه بر اساس تدبیر رهبری و مسئولان انجام می‌گیرد که بر اساس آن مجازات‌هایی چون زندان و غیر آن می‌تواند به مجازات جایگزین تبدیل شود تا از عوارض سوء آن همچون دور ماندن زندانی از خانواده، تاثیرپذیری از دیگر زندانیان، از دست دادن کسب و کار و موقعیت اجتماعی و شغلی و دریافت برچسب زندانی و مجرم جلوگیری شود، مبتنی بر متون دینی همچون عهدنامه می‌باشد. بنابراین والی باید تا آن جا که ممکن است و منافع جامعه اقتضاء می‌کند، از خطاهای جزئی و قابل اغماض (سهوی) رعیت چشم‌پوشی کند که این خود سبب پیشگیری از بسیاری از آسیب‌های

اجتماعی خواهد شد.

۷-۲-۱-۵. توجه به نظارت الهی بر رفتار خود با مردم

«...فانک فوقهم و والی الامرعلیک فوقک والله فوق من ولأک» از نظر فلسفه‌ی اجتماعی اسلامی، نه تنها نتیجه‌ی اعتقاد به خدا، پذیرش حکومت مطلقه‌ی افراد نیست و حاکم در مقابل مردم مسئولیت دارد، بلکه از نظر این فلسفه، تنها اعتقاد به خداست که حاکم را در مقابل اجتماع مسئول می‌سازد و افرادی را ذی‌حق می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸) ازاین‌رو والی مسلمین نباید استکبار ورزد؛ چرا که ولی امر مسلمین بالاتر از او و خداوند فوق همه‌ی آنهاست. پس راه تواضع پیش گیرد و در تمام حالات، پروردگار عالم را ناظر بر اعمال خود بداند. با چنین نگرشی، حاکم به اصل مهم «خود کنترلی» عمل کرده و در راه اجرای عدالت، تلاشی خستگی ناپذیر خواهد داشت؛ بیت‌المال عادلانه تقسیم می‌شود، شکاف میان غنی و فقیر به حداقل می‌رسد و عوامل آسیب‌زا کمرنگ و کم اثر می‌گردد.

۷-۲-۱-۶. توجه به مسئولیت در جامعه اسلامی به مثابه‌ی یک امتحان الهی

«...وابتلاک بهم» یکی از سنت‌های الهی، سنت امتحان و آزمایش است که در لسان قرآن و روایات بسیار آمده است. (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳) امتحان الهی وسیله‌ای برای بازشناسی نیکان از بدان، کسب صلاحیت و ارتقاء مراتب و مقامات انسان است، ازاین‌رو حضرت ابراهیم (ع) هنگامی که از آزمایشات الهی پیروز بیرون آمد مقام امامت یافت. (سوره ی بقره، ۱۲۵) این آزمایشات در مسائل گوناگون صورت می‌گیرد (سوره ی بقره، ۱۵۷) که یکی از آنها مقام و منصب است. ازاین‌رو حضرت به مالک می‌فرماید: خداوند تو را به وسیله مردم آزمایش کرده است. امام خمینی (ره) دراین باره می‌فرماید: «مساله، مساله خدمتگزاری دولت به ملت است، نه فرمانفرمایی دولت به ملت. همین فرمانفرمایی جدا می‌کند شما را از ملت و ملت را از شما و منشا مفساد زیادی می‌شود.» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۱۱۹)

۷-۲-۱-۷. انعطاف‌پذیری و ترک اعمال خشونت نسبت به مردم

«ولاتقولن انی مؤمر امرُ فاطاع» حاکم اسلامی باید رفتاری الهی داشته باشد و در گام نخست ضمن

تذکر به خطاکاران، آن‌ها را در انتخاب راه آزاد و منخیر سازد و به آن‌ها فرصت دهد از غفلت بیرون آیند و راه صلاح در پیش گیرند، زیرا آزادی با تعیین حدود و شرائط آن، حق بشر است. طبق نخستین ماده‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر: تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و باید آزاد بمانند. (جرداق، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲) همچنان که در قرآن کریم آمده است که «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (سوره‌ی انسان، ۳) حضرت نیز می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.» (ذاکری، ۱۳۸۸، ص ۳۹) امام خمینی (ره) خطاب به بعضی فریب خوردگان کرد می‌فرماید: «برادران کردستانی من، عزیزان من، کسانی که گول خوردید از این سران خود فروخته، برگردید به اسلام، اسلام عفو دارد...» (فرجاد، ۱۳۷۸، ص ۳۲) این بدان جهت است که اگر حاکم اسلامی در امور تصلب داشته باشد و با مردم همچون فرمانده نظامی رفتار کند زمینه‌ی نفاق، دورویی و اعمال خشونت از سوی نیروهای تحت امر خود، ارتکاب جرم و غیره را فراهم خواهد کرد، زیرا به گفته‌ی بعضی اندیشمندان، هیچ کس کجرو متولد نمی‌شود؛ بنابراین کجروها بیماران اجتماعی هستند که مانند بیماران جسمی قابل درمان و علاجند. (سوره فتح، ۲۹) حضرت در ادامه، اعمال خشونت را مایه‌ی تباهی دل، سستی دین و نزدیکی به تغییر (و براندازی) می‌داند. (سوره حشر، ۱۹)

۸-۱-۲-۷. عدم احساس تکبر و برتری

«و اذا احذث لک ما انت فیه من سلطانک ابهه او مخیله فانظر الی عظم ملک الله فوقک و قدرته منک علی ما لاتقدر علیه من نفسک» از نظر قرآن کریم، یکی از علل انحرافات که آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را فراهم می‌سازد، مسأله‌ی تکبر و خدا فراموشی است. کسی که تکبر می‌ورزد از شناخت جایگاه خود باز می‌ماند و به خود فراموشی و خدا فراموشی و در نتیجه، محرومیت از عنایت خداوند دچار خواهد شد. همچنین می‌فرماید: «لاتکونوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم» (سوره علق، ۶) و «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی» (سوره‌ی رعد، ۱۱) روحیه‌ی استکباری به طبقه‌بندی ناعادلانه در جامعه و ایجاد نارضایتی و تشدید مشکلات در میان مردم می‌انجامد که خود بستری مناسب برای آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. استضعاف اکثریت مردم و سلطه‌ی اقلیتی مرفه بی درد بر مردم مستضعف، عامل ضعف در اعتقادات دینی، سستی بنیان‌های اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی است که در نهایت به سستی بنیان‌های حکومت

اسلامی می‌انجامد. و ممکن است تاریخ اندلس و زوال تمدن و پیشرفت آن در جامعه اسلامی تکرار شود. «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (سوره ی انفال، ۵۳)

و «ان الله لم یک مغیرانعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۱۸) امام خمینی (ره) در این مورد چنین می‌گوید: «آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است این‌که زندگی شما ساده باشد. همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود؛ بلکه پایین‌تر از عادی.» (زمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶)

۹-۱-۲-۷. رعایت عدالت و انصاف

«انصف الله و انصف الناس من نفسک و من خاصه اهلک» در کلام امام علی (ع) در مورد حاکم و کارگزار مسلمین انصاف بر دو گونه است: الف: انصاف در رابطه با خداوند. ب: انصاف در رابطه با مردم اعم از خواص خویشاوندان والی و نیز رعیت؛ چرا که «در فضایی که حقوق مردم محفوظ باشد؛ جامعه متعادل باشد؛ تبعیض، محرومیت و احساس مغبنیت در مردم نباشد، عقاید صحیح و اخلاق پاک و صفای قلب رواج پیدا می‌کند و زمینه برای وقوع معاصی، رذایل اخلاقی و عقاید ناپاک کمتر می‌شود» (ابن میثم، ج ۵، ص ۱۴۳)

الف: انصاف در مورد خداوند

«انصف الله» بدیهی است که خداوند صمد و غنی، به انصاف بنده نیازی ندارد. بنابراین، انصاف در مورد خداوند به مفهوم اطاعت بنده از اوامر و نواهی خداوند متعال است. (سوره ی تحریم، ۶) و در مورد خویشانش رعایت احکام الهی از سوی آنان است که «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» (سوره ی توبه، ۲۴) با توجه به این معنا، انصاف از جانب خویشاوندان، یعنی حاکم مسلمین مراقب باشد نزدیکان و منسوبینش با سوءاستفاده از مسئولیت او به‌ویژه خواری نپردازند؛ همان شرایطی که در زمان خلیفه سوم بر جامعه اسلامی تحمیل گشته به سقوط او منجر شد. همان‌گونه که امروز سوءاستفاده از عناوینی چون آقازاده‌ها و ژن‌های برتر جامعه را تهدید می‌کند.

ب: انصاف در رابطه با مردم

«انصف الناس» والی مسلمین باید با در نظر گرفتن آیه ی «قل ان كان ابواکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم... احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یاتی الله بامرہ» (کلینی، ج ۲، ص ۱۶۴) عدالت و انصاف را در رابطه با خواص خویشاوندانش و نیز مردم، هر دو رعایت کند. در غیر این صورت، بر مردم ستم کرده است و هر که بر بندگان خدا ظلم کند خداوند دشمن اوست. و از آن جا که پیامبر (ص) فرموده اند: «خلق عیال الله و تحت تکفل و رعایت خداوند هستند» (کلینی، ج ۲، ص ۳۰۷)، عدم رعایت انصاف از سوی حاکم مسلمین، سبب غفلت از امور مردم، وارونه جلوه دادن حقایق، گسیل کردن امکانات به سوی اقلیتی خاص که به فرمایش علی (ع) بیشترین هزینه و کمترین یاری را برای جامعه دارند می‌گردد و نارضایتی و فقر و تبه‌کاری را به دنبال خواهد داشت. چرا که «کادالفقر ان یکون کفرا» (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۳۲) و نیز به گفته‌ی مارکس جنایت، فحشاء، فساد و رفتار خلاف اخلاق در درجه‌ی نخست ناشی از فقر است که زائیده‌ی سیستم سرمایه‌داری است. (فرجاد، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳) البته ما نظر مارکس را به‌طور مطلق تایید نمی‌کنیم، لیکن همان‌گونه که ذکر شد نقش فقر در ایجاد انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت. بعضی اقتصاددانان برآنند که جنایت و خودفروشی، جرائم و خصوصیات غیرانسانی، ابتدا از سیستم امپریالیستی به وجود آمده (که) وسایل تولید در اختیار عده‌ی متعددی از افراد جامعه بوده، ثروت به‌طور غلط در اجتماع تقسیم شده است. (سوره ی انفال، ۶۲)

۷-۲-۱۰. اولویت‌بخشی و ترجیح‌خشنودی و منافع عامه بر خواص

«ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیه فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه و ان سخط الخاصه یغتفر مع رضی العامه» یعنی باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشد که با حق و عدالت موافق تر و با رضایت عامه مردم هماهنگ‌تر باشد، زیرا خشم عمومی مایه‌ی بی‌اثر ساختن رضایت خواص است و ناخشنودی خواص در برابر خشنودی عامه بی‌اثر است. و عامه‌ی مردم، ذخیره‌ی دفاع در برابر دشمنان می‌باشند. همان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین» (بسته نگار، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳) و امام راحل می‌فرمود که من به کمک شما دولت تعیین می‌کنم؛ اصل سوم اعلامیه‌ی حقوق بشر فرانسه نیز بیانگر آن است که منشا و سرچشمه‌ی هرگونه قدرتی توده‌ی مردم هستند. در دوران حضرت نیز

واژه‌ای که در مورد «ملت» به کار می‌رفت کلمه‌ی عامه به معنای همگان در برابر خاصه یعنی ویژگان و کلمه سواداعظم در مفهوم توده و اکثریت مردم بوده است... و حضرت تنها آن قدرت و دستگاهی را به رسمیت می‌شناخت که نماینده و سمبل اراده‌ی ملت یا توده باشد و می‌فرماید: «با توده مردم باشید زیرا که دست خدا همراه جماعت است» و البته طبیعی است که گروه ویژه و طبقه ممتاز راضی نشود که اراده‌ی توده مردم و همگان، بر آن‌ها برتری یابد. (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۹) بنابراین باید حاکم مسلمین به نیازمندی‌ها و مطالبات آن‌ها توجه داشته باشد تا از بروز بی‌اعتمادی مردم و در نتیجه آسیب‌ها و پیامدهای آن در امان بماند.

۷-۲-۱۱. پوشانیدن عیوب مردم و عدم پذیرش سعایت بدخواهان

«ولیکن ابعدر عیتک منک و اشناهم عندک اطلبهم لمعايب الناس» از جمله صفات خداوند ستارالعیوب و غفارالذنوب می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر حاکم لازم است سه چیز را درباره خاص و عام رعایت کند، از جمله چشم پوشی از گناه خطاکاران تا توبه کنند و از راه خطا بازگردند.» (تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۳۳) لذا حاکم اسلامی باید تلاش کند این ویژگی‌ها را در روش و منش خود متجلی سازد. نه خود به عیوب مردم پردازد و نه فرصت عیب‌جویی از مردم را برای بدخواهان فراهم گرداند. در این صورت از گسترش کارهای زشت در جامعه پیشگیری می‌شود و قبح گناه از میان نمی‌رود.

۷-۲-۲. بهره‌گیری از مشاوران

«و لاتدخلن فی مشورتک بخيلا... و لاجبانا... و لاحريصا...» توصیه‌ی دیگر حضرت اهتمام به مشاوره و توجه به ویژگی مشاوران است. ایشان در جایی می‌فرماید: «هیچ تنهایی مانند خودپسندی و هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.» (سوره ال عمران، ۱۵۹) خداوند نیز به نبی اکرم (ص) دستور می‌دهد با مسلمانان مشورت کند: «و شاورهم فی الامر» (مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۲۰) از نظر حضرت، مشاور باید ویژگی‌هایی داشته باشد: ۱. حریص نباشد ۲. بخیل نباشد ۳. ترسو نباشد، زیرا سبب اجتماع این سه ویژگی، سوءظن به خداوند است.

گذشته از این ویژگی‌ها، مشاور باید تخصص و تعهد لازم را داشته باشد. قطعاً مشاور خانواده با

مشاور در امور اقتصادی و بین‌الملل متفاوت است و عدم توجه به این مهم می‌تواند خود، عامل آسیب‌رسان و سبب گریز مردم از دین باشد، زیرا «از نظر روانشناسی مذهبی، یکی از موجبات عقب‌گرد دینی، این است که اولیاء مذهب میان مذهب و یک نیاز طبیعی، تضاد برقرار کنند. مخصوصاً هنگامی که آن نیاز در سطح افکار عمومی ظاهر شود» (سوره‌ی یوسف، ۵۵) و مشاوره‌ی که از صلاحیت لازم برخوردار نباشد سبب به خطا رفتن رای و تصمیم مشاوره‌گیرنده می‌گردد.

۷-۲-۳. ویژگی عوامل اجرایی

ویژگی‌های عوامل اجرایی از نظر حضرت به دو بخش تقسیم می‌گردد: ۱. سلبی ۲. ایجابی یا به اصطلاح باید‌ها و نبایدهای یک کارگزار؛ همان صفاتی که جاذبه و دافعه را به دنبال دارند و ارمغان شایسته‌سالاری هستند.

۷-۲-۳-۱. صفات سلبی

«ان شر و زرائک من کان للاشرار قبلک وزیرا و من شرکهم فی الاثم فلایکونن لک بطنه» عوامل اجرایی علاوه بر آن که باید شرایط و صلاحیت‌های عمومی را دارا بوده فاقد بعضی صفات منفی باشند. باید به اصطلاح عدم سوء پیشینه‌ی آن‌ها ثابت شود که یکی از آن‌ها عدم داشتن سابقه‌ی مسئولیت و وزارت و مناصب کلیدی در دوره‌ی حکومت‌های جائر گذشته است. توضیح آن که مساله‌ی ای که در سال‌های اخیر بعضی کشورهای همسایه و منطقه را با چالش روبرو ساخت، همچنین در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای کشور مشکلاتی ایجاد نمود، نفوذ و واگذاری مسئولیت‌ها و پست‌های کلیدی به بعضی عوامل دولت‌ها و نظام‌های پیشین بود که حضرت امیر (ع) مالک را از آن بر حذر می‌دارند. و این در صورتی است که آن‌ها در کارهای ناشایست و ظالمانه‌ی حاکمان گذشته شرکت داشته و مسئولیتی که بخواهد به ایشان واگذار گردد مهم و کلیدی باشد و یا جزء اصحاب سر قرار گیرند و مطالب طبقه‌بندی‌شده و محرمانه در اختیار آنان گذاشته شود. زیرا صرف مسئولیت داشتن در دوران حاکمان گذشته سبب عزل آن‌ها نمی‌گردد. این نکته‌ای بسیار مهم است و عدم توجه بدان می‌تواند آسیب‌های جدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی به دنبال داشته باشد. همان‌گونه که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بی‌توجهی بعضی مسئولان به این مهم، سبب لو رفتن اسرار و اعمال تحریم‌ها و ترور شخصیت‌ها و

دانشمندان کشورمان گردید. البته باید توجه داشت هرچند که به کارگیری نیروهای ناشایست می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی دامن زده، روند پیشرفت جامعه را دچار اختلال کند، اما تغییر به دور از منطق نیروهای کارآمد، متعهد و متخصص با سابقه که غالباً در پی تغییر دولت‌ها و به سبب نگاه جناحی و حزبی صورت می‌گیرد و به جایگزینی افراد ناکارآمد و ناآشنا به امور می‌انجامد نیز می‌تواند آسیب‌رسان باشد و عرصه‌ی اجراء را با تمام پیچیدگی‌هایش به عرصه‌ی آزمون و خطا تبدیل کند و آسیب‌های جدی بر پیکر اجتماع و خانواده‌ها وارد سازد که غالباً پیامدهای سوء آن دامان مردم محروم و مستضعف را می‌گیرد.

۷-۲-۳. صفات ایجابی

«و انت واجد منهم خیر الخلف ممن له مثل ارائهم و نفاذهم و لیس علیه مثل اصارهم و اوزارهم و ائامهم... فاتخذ اولئک خاصه لخلواتک و حفلاتک» بعضی از این ویژگی‌ها که حضرت به‌عنوان صفات و شایستگی وزیر و اصحاب سر از آن یاد می‌کند عبارت‌اند از: ۱. آگاهی و تخصص (همراه با تعهد، همان‌که در قرآن کریم با عنوان «حفیظ علیم» (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱) آمده است. ۲. قدرت نفوذ در مردم ۳. ترجیح رضای خدا بر آنچه هوای نفس والی بدان راضی است ۴. پایبندی به اجرای دقیق حق، هرچند تلخ باشد که توجه به این نکات سبب کارآمدی والی و همراهی مردم می‌گردد.

۷-۳. (توجه به) اقشار و طبقات مردم

«و اعلم ان الرعیه طبقات لا یصلح بعضها الا ببعض و لا غنی ببعضها عن بعض... و کل قدسمی الله له سهمه و وضع له حده» عنایت به این‌که جامعه در حقیقت به‌مثابه‌ی جدول و پازلی است که طبقات و اقشار مردم، خانه‌های آن را پر می‌کنند و عدم توجه به آن، سبب ایجاد نارضایتی، نقص در جامعه و بروز آسیب‌های اجتماعی می‌گردد، از مسائل مهمی است که حاکم مسلمین باید آن را رعایت کند. لذا حضرت در سومین بخش از نامه‌ی خود به مالک، اقشار کلیدی مردم، رسالت، توانمندی‌ها، نقش آن‌ها در جامعه، ضرورت و نحوه‌ی توجه بدان‌ها را بیان می‌کند. زیرا که این امر سبب کسب شناخت بیشتر نسبت به آحاد جامعه و ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های آنان ایجاد نگرشی سیستمی و جامع‌گشته و افزایش رضایتمندی مردم، اقتدار حکومت و تضعیف دشمنان را به دنبال

دارد. در مجموع، در برابر قشر خدمت دهنده اعم از عوامل اجرایی و مشاوران، این گروه را می‌توان بخش خدمت گیرنده یا به فرمایش حضرت، «رعیت» نامید. البته باید توجه داشت که در نظام اسلامی از باب «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» همه ناظر و نیز تحت نظرند. رعیت اما خود دارای طبقات و اقشاری هستند که اصلاح امور آن‌ها به همدیگر مرتبط است و از یکدیگر مستغنی نیستند. از این رو در بحث مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، اعم از پیشگیری و درمان آن، بدون لحاظ ظرفیت‌ها و نیازهای اقشار گوناگون هر اقدامی ابتر خواهد ماند.

اصناف و طبقات رعیت: علی (ع) توده‌ی مردم را به ۷ گروه تقسیم می‌کند: ۱. سپاهیان ۲. اهل جزیه و خراج ۳. قضات ۴. کارمندان ۵. نویسندگان ۶. تجار و صنعتگران ۷. طبقه‌ی محروم جامعه.

۱-۳-۷. جنودالله (سپاهیان الهی)

«فالجند باذن الله حصون الرعیه و زین الولاة و عزالدین...». جنود جمع جند به معنای لشکر است که در گذشته تمام عوامل نظم در جامعه یعنی ارتش و نیروی انتظامی کنونی را شامل می‌شد. (حبیب زاده و همکار، ۱۳۷۲، ص ۲۷۳) امام علی (ع) دسته‌بندی و گروه‌بندی مردم را از لشکریان آغاز می‌کند. زیرا بدون آن‌ها نه تنها امنیت بلکه فرهنگ، اقتصاد و حتی روابط اجتماعی و خانوادگی شهروندان دچار آسیب می‌گردد. ایشان لشکریان را قلعه امن رعیت، زینت حکمرانان، مایه‌ی عزت دین و ایجاد امنیت در راه‌ها می‌خواند. چرا که جامعه اسلامی باید مکانی امن برای شهروندان و فضایی ناامن برای بزهکاران باشد. برای مثال در جامعه‌ی کنونی ما تسامح در برخورد با عوامل قاچاق کالا سبب آسیب‌رسانی بر تولید داخلی و در نتیجه به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و بیکاری کارگران می‌گردد که همچون دومینویی است که در نهایت به ایجاد اختلاف در خانواده‌ها، افزایش طلاق و در نهایت ایجاد بستری برای افزایش بزه اعم از سرقت، رشوه، ربا، زورگیری و غیر آن می‌شود. در حالی که برخورد صحیح و قانونمند با عوامل اصلی قاچاق و فساد سبب پاک‌سازی جامعه از لوث وجود تبهکاران می‌گردد. از این رو جنود مایه‌ی زینت حاکمان و محافظ منافع و حقوق مردم می‌گردند. لذا امام سجاد (ع) دعای ۲۷ صحیفه سجادیه را به مرزداران اختصاص داده‌اند.

۷-۳-۲. تأمین کنندگان بیت المال (مالیات و خراج دهندگان)

در مورد پیشین از نظامیان سخن گفته شد. امام علی (ع) قوام آنان را مبتنی بر خراج و مالیات می‌داند که از این طریق هم امکانات و تجهیزات نظامی و دفاعی مورد نیاز خود را تهیه می‌کنند و هم نیاز خانوادگی آن‌ها برآورده می‌شود. در این صورت از یک سو مردم به پرداخت مالیات و جزیه تشویق می‌شوند و از دیگر سو نظامیان از سستی انگیزه یا کسب درآمد نامشروع و دست‌اندازی بر اموال مردم به دور می‌مانند.

شایان ذکر است که حضرت شریطی را توصیه می‌کنند که در نتیجه‌ی آن باید اخذ مالیات متناسب با شرایط مالیات دهنده و موقعیت جامعه مانند تورم، کساد بازار و تحریم‌های دشمنان، قابلیت انعطاف داشته باشد. در غیر این صورت مالیات خود سبب وارد آمدن آسیب بر پیکره‌ی جامعه می‌گردد.

۷-۳-۳. کارکنان و کارمندان دولت (قضات، عمال و نویسندگان)

«ثم لا قوام لهذین الصنفین الا بالصنف الثالث من القضاء والعمال والکتاب...» در کلام امام (ع)، قوام این دو گروه (نظامیان و مالیات دهندگان) منوط به نحوه‌ی عملکرد کارکنان دولت اعم از قضات، کارمندان و نویسندگان است. توضیح آن که لازمه‌ی یک نظام سیاسی مردم سالار - بخصوص با داشتن هویت دینی - داشتن نظام دادرسی عادلانه بر پایه‌ی اصول حقوقی و مبتنی بر تمامی تضمینات حقوق بشری است، (قربانی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱) زیرا اگر قضات نباشند عقدها، پیمان‌ها و قراردادها در جامعه و از آن جمله قراردادهای اجتماعی و بین‌المللی و پیمان‌های مربوط به خراج با زمین‌داران و مالیات بده‌ها استوار نمی‌مانند و این قضات اند که این قراردادها را استحکام می‌بخشند و مردم را به انجام تکالیف موظف می‌سازند. (لما یحکمون من المعاهد) (مجلسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۰) اهمیت قضاوت تا بدان جاست که علی (ع) به شریح قاضی می‌فرماید: «یا شریح! قد جلست مجلسا لایجلسه الانبی او وصی نبی اوشقی» (جرداق، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲) اما اهمیت عملکرد کارمندان بدان جهت است که آنان به جمع‌آوری وجوهات اعم از مالیات، خمس، زکات و جزیه می‌پردازند و منافع دولت و جامعه را حفظ می‌کنند. از نظر امام علی، وصول مالیات فرع و آبادانی و عمران زمین، اصلاح وضع اقتصادی و مراعات حال مردم، اصل است تا مالیات به‌عنوان

اخذ از درآمد باشد نه آن که به‌زور سر نیزه خوراک ضروری گرسنگان را از گلوی آنان بیرون کشد. (جرdaq، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲) اما اگر نویسندگان پاکدست و کوشا نباشند، گزارشات مالی با دقت ثبت و ضبط نمی‌گردد و در نتیجه علاوه بر ایجاد دلسردی در مردم، موجب هدر رفتن بیت المال می‌گردد. و راه را برای ویژه خواران و سودجویان را بر بیت المال هموار می‌سازد.

لازم به ذکر است که حضرت در مورد کارمندان توصیه‌های دیگری نیز مطرح می‌کنند مانند: ۱. معیارهای انتخاب شایسته ۲. پرداخت حقوق کافی به آنان ۳. فرستادن ماموران مخفی و بازرسانی امین و با وفا که به‌صورت پنهانی اما مستمر بر عملکرد کارمندان کنترل و نظارت داشته باشند به‌گونه‌ای که هرگاه همه به اتفاق، علیه خاطیانی گزارش دهند به میزان خیانتی که انجام داده اند آن‌ها را سخت مجازات کنند. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «سزاوار نیست برای حاکمان که در سه مورد کوتاهی کنند؛ ۱. حراست از مرزها ۲. رسیدگی به حقوق پایمال شده ۳. گزینش شایستگان برای مسئولیت‌های مختلف. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۴۴۲)

۴-۳-۷. تجار و صنعتگران

«و لا قوام لهم جمیعا الا بالتجار وذوی الصناعات...» ششمین گروه از اصناف جامعه، تجار و صنعتگران می‌باشند که موفقیت پنج صنف پیش‌گفته، مبتنی بر حضور آن‌هاست. اهمیت تجار در آن است که وسائل زندگی و حاصل دسترنج افراد جامعه را گردآورده در بازارهایشان عرضه می‌کنند و از سویی با پرداخت وجوهات و مالیات پشتوانه‌ای برای بیت المال می‌باشند. این‌ها علاوه بر آن که پشتوانه‌ی اقتصادی جامعه هستند، از طریق اشتغال‌زایی، تولید و تأمین مایحتاج مردم در استقلال و خودکفائی جامعه اسلامی، رفع فقر و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از آن و کوتاه کردن دست دشمنان نقش به‌سزایی دارند. و بی‌توجهی به اهمیت و خواسته‌های آنان، اما رکود اقتصادی، وابستگی جامعه اسلامی به بیگانگان، ضعف، فقر، فساد و فحشاء را به دنبال خواهد داشت.

۵-۳-۷. طبقه محرومان و نیازمندان

«ثم الطبقة السفلی من اهل الحاجة و المسکنة الذین یحق رفدهم و معونتهم» در این بخش، امام (ع)

به هفتمین قشر جامعه یا همان طبقه محرومان، نیازمندان و مستضعفان و حقوق آن‌ها می‌پردازد. حضرت از این طبقه به‌عنوان «الطبقه السفلی» یا قشر پایین جامعه یاد می‌کند که در حقیقت گروه «خدمت‌پذیر» جامعه می‌باشند که به جهات مختلف پیری، بیماری، بد سرپرستی، بی‌سرپرستی و یا بلاای طبیعی، قادر به تحصیل معاش، کسب علم و اداره‌ی امور زندگی خود نیستند. در بسیاری از این‌ها فقر اقتصادی و درگیری جدی با مشکلات زندگی، سبب عدم آگاهی لازم از مسائل جامعه و خطرات پیش‌رو و به دنبال آن قرار گرفتن در بستری آماده برای سودجویان، اشرار و منفعت‌طلبان شده است که حکومت اسلامی باید در جهت رفع نیازهای علمی، فرهنگی، معیشتی، درمانی و مهارتی آن‌ها تا حد امکان اقدام کند. همان‌ها که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «آن مقداری که برکات از کوخ‌ها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخ‌ها پیدا نمی‌شود.» (سعادت‌مند، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷) و آنان که به فرمایش امام علی (ع) نسبت به نظام اسلامی، کم‌توقع و پر بازده‌اند. همان‌ها که خداوند برای آنان سهمی را در مصارف زکات (سوره ی توبه، ۶) و مصارف خمس (سوره ی انفال، ۴۱) قرار داده است و در دیگر اموال مردم، علاوه بر خمس و زکات، به رعایت حال آن‌ها و اختصاص بخشی از اموالشان به آنان توصیه شده است. «و فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم...» (سوره ی معارج، ۲۵-۲۴) و مولای متقیان نیز علت رعایت سادگی و عدم تکلف در طعام و لباس خود را احتمال وجود بعضی نیازمندان می‌خواند. (شریف رضی، بی تا) و خداوند علت گرفتار آمدن بعضی مرفهان به تنگدستی را عدم تشویق و توجه به اطعام مستمندان می‌داند. (سوره ی فجر، ۱۸)

تاسیس کمیته امداد امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تجربه‌ی موفق رسیدگی هدفمند به محرومان و مستضعفان و تشکیل سازمان‌ها و نهادهای حمایتی دیگری همچون سازمان بهزیستی جهت رسیدگی به کم‌توانان، علاوه بر پیشگیری از وارد آمدن آسیب‌های جدی به این خانواده‌ها، دستاوردهای قابل توجهی در عرصه‌های گوناگون اعم از کارآفرینی، ازدواج‌های پایدار، خودکفایی افراد تحت پوشش و تربیت نخبگانی از آن‌ها حاصل گشته است. در حالی که عدم توجه به نیازهای فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و اجتماعی آنان که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها را زنان و دختران تشکیل می‌دهند می‌توانست در عوض کاهش و یا درمان آسیب‌های اجتماعی، بستری مناسب برای افزایش آن باشد.

نتیجه‌گیری

از جمله عوامل گوناگونی که در ایجاد و گسترش آسیب‌های اجتماعی مؤثر می‌باشد، نقش مسئولین اعم از سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان است، زیرا امت و مسئولین، همه باهم در صلاح و فساد جامعه نقش‌آفرین هستند، لیکن نقش مسئولین در هر دو حالت پر رنگ‌تر است. از سویی قرآن کریم و ائمه‌ی معصومین (ع) برای تمامی دردهای فردی و اجتماعی بشر پیشگیری و درمان‌های کارآمد ارائه کرده‌اند که نمونه‌ای از آن در نامه‌ی ارزشمند امام علی (ع) به مالک اشتر تجلی‌یافته است که در حقیقت منشور حکومت‌داری و اخلاق کارگزاران است و آشنایی با آن برای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی در سال‌های پایانی چهارمین دهه انقلاب اسلامی ایران می‌تواند دستمایه‌ی ارزشمندی برای مسئولان نظام باشد. لذا این پژوهش با مبنا قرار دادن عهدنامه و با بهره‌گیری از آیات، روایات و سخنان بزرگان و صاحب‌نظران به‌ویژه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری علاوه بر محوربندی عهدنامه به تطبیق آن با شرایط کنونی مملکت و نحوه‌ی بهره‌گیری از آن پرداخته که به شرایط عمومی والی، آنچه حاکم مسلمین باید بداند، نحوه‌ی رابطه‌ی والی با رعیت، نگرش والی به مسئولیت خویش، حقوق و مسئولیت‌های متقابل والی و رعیت و آسیب‌های احتمالی در صورت عدم توجه بدان، دسته‌بندی آحاد و اقشار جامعه و ضرورت توجه به آن‌ها به‌صورت واحد و در عین حال متفاوت در قالب وحدت در عین کثرت از یافته‌های این پژوهش است. و نیز با مروری بر بندهای عهدنامه چنین بدست آمد که از طریق اصلاح، روان‌سازی و ایمن‌سازی چرخه‌ی ثبت، داوری، دریافت و توزیع صحیح و عادلانه‌ی بیت‌المال و رعایت حقوق هر قشر از شهروندان، به کارگیری مجریانی متخصص و متعهد و اعمال نظارت دقیق بر عملکرد ایشان می‌توان جامعه‌ای بالنده و سالم داشت که شهروندان در آن احساس امنیت، برخورداری از رفاه و عدالت کنند و به‌سوی ارتکاب اعمال خلاف و انحرافات کشیده نشوند.

در پایان با توجه به محدودیت‌های موجود در حجم مقالات، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های گسترده‌تر و با محدودیت کمتر علاوه بر عهدنامه مالک اشتر، دیگر فرمایشات معصومین (ع) به‌ویژه امام علی (ع) موردبررسی دقیق قرارگرفته، محورهای گوناگون آن دستمایه‌ی اقدامات مسئولین در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی سنتی و نوپدید قرار گیرد و هر بند از بندهای نهج‌البلاغه مبنای پروژه‌های تحقیقاتی و مدیریتی قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵/۲/۱۱.
- بیگلری، مجتبی و مرادی، اعظم (۱۳۹۵)، آسیبهای اجتماعی از دیدگاه قرآن و راههای پیشگیری از آن، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱، رشت، دبیرخانه کنفرانس.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
- فولادی، محمد (۱۳۸۹)، علل و عوامل پیدایش آسیبهای اجتماعی و راههای پیشگیری از آن، مجله معرفت، شماره ۲۱.
- استادی، رضا (۱۳۷۹)، ۲۰ مجلس پیرامون عهدنامه مالک اشتر، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- جودی، هیوزو و ندی استون (۲۰۰۳)، حیات خانواده و اجتماع، مجله مباحث خانواده، وابسته به مرکز مطالعات خانواده استرالیا، ش ۶۵
- جانسون، ژنوا، بی، رییس مرکز خدمات خانوادگی آمریکا (۱۹۹۱)، دگرگونی خانواده رشد طبیعی افراد، همایش ایالت اوهایو، ترجمه‌ی جلالی، زهرا، در نقل نشریه سخنرانی‌های مهم روز، جلد ۵۷، شماره ۱۳، ص ۳۹۳، ۱۳۹۱/۴/۱۵، در نقل کتاب مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، حق شناس، سیدجعفر، ۱۳۸۸
- فتحی یکن؛ مقاله مکتب فکری امام خمینی در رویارویی با انحرافات فکری و تهدیدات امریکا و صهیونیسم؛ کتاب رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی
- سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۶)، فرهنگ خودسازی و خدمت‌رسانی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم، نشر تسنیم، چاپ دوم

- قربانی، سعید (۱۳۹۶)، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، تاریخ پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال ۱۴
- احمدی حاجیکلاپی، حمید (۱۳۹۶)، نظام سیاسی در اسلام، قم، تجویدیان
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، چاپ نهم، قم، اسراء
- احمدی حاجیکلاپی، حمید (۱۳۹۶)، نظام سیاسی در اسلام، قم، تجویدیان
- معروف خانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل آسیب‌های اجتماعی در ادعیه شیعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- رضایی، علی محمد (۱۳۸۶)، آسیب‌های اجتماعی فراروی امنیت کشور، توسعه‌سازمانی پلیس، شماره مسلسل ۱۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۶، ۶.
- کارگر شریف آباد، ملکه (۱۳۹۵)، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، چهارمین همایش علمی و پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- محمدی، زهرا (۱۳۸۲)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۸۰-۱۳۷۰)، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- فهیم، هوشنگ، ماوی، شماره ۷۴.
- [iew.'article'https://hawzeh.net](https://hawzeh.net). 1397/4/9,22/30.
- قربانی، زین العابدین (۱۳۸۶)، منشور مملکت‌داری در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، رشت، سلار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران، صدرا
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۷

- خامنه‌ای، سید علی، مقام معظم رهبری (۱۳۹۳)، *دغدغه‌های فرهنگی*، چاپ هفتم، نشر صهبا.
- سیاهپوش، امیر و آقاپور، علی (۱۳۹۰)، *فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری*، تهران، چاپ و نشر، چاپ دوم
- شریف رضی (بی تا)، *نهج‌البلاغه*، موسسه چاپ و نشر تالیفات شیخ‌الاسلام، خطبه ۴۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *اخلاق جنسی در اسلام و غرب*، تهران، صدرا
- محمدی، زهرا (۱۳۸۳)، *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰*، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *علل گرایش به مادیگری*، تهران، صدرا، چاپ ۳۰
- جرداق، جرج (۱۳۸۰)، مقاله علی و حقوق بشر، مقایسه‌ای بین اصول امام علی (ع) و اعلامیه حقوق بشر، ترجمه خسروشاهی، سید هادی، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، بسته نگار، محمد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۸)، *اخلاق مسوولان*، معاونت فرهنگی ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی (ره)، چاپ چهارم الی دهم
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، انتشارات بدر
- زمانی، طوبی (۱۳۸۹)، *عدالت اجتماعی*، مطالعه مقایسه‌ای از منظر استاد مطهری و دکتر شریعتی با دیدگاه جامعه‌شناختی، تهران، نشر بقعه
- ابن میثم، شرح نهج‌البلاغه، ج ۵
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *الکافی*، ج ۲
- بسته نگار، محمد (۱۳۸۰)، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران، شرکت سهامی انتشار

- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن ال الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم
- تمیمی امدی، (۱۳۶۶)، *غررالحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات صدرا
- حبیب زاده، محمدجعفر و الهام، غلامحسین (۱۳۷۲)، مبانی نظری فرمان ۸ ماده ای حضرت امام (ره)، مقاله، کتاب دولت مطلوب
- مجلسی، محمدباقر (بی تا)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸
- جرداق، جرج (۱۳۸۰)، *علی و حقوق بشر*، مقایسه ای بین اصول امام علی (ع) و اعلامیه حقوق بشر، ترجمه خسروشاهی، سید هادی، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، بسته نگار، محمد، تهران، شرکت سهامی انتشار
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاه*، چاپ نهم، قم، اسراء
- سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۶)، *فرهنگ خودسازی و خدمت رسانی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، قم، نشر تسنیم، چاپ دوم
- شریف رضی (بی تا)، *نهج البلاغه*، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، خطبه شششقیه.

References

- The Holy Quran (in Persian).
- Ahmadi Hajikalaei, Hamid (2017), *Political System in Islam*, Qom, Tajvidian (in Persian).

- Bagheri, Khosro (2005), A Review of Islamic Training, Tehran, School Publication (in Persian).
- Bastehnegar, Mohammad (2001), Human Rights from the Perspective of Scholars, Tehran, Publishing Joint Stock Company (in Persian).
- Biglari, Mojtaba & Moradi, Azam (2016), Social Harms from the View of Quran and Its Preventive Ways, The International Conference on New Approaches in Humanities in 21st Century, Rasht, Conference Secretariat (in Persian).
- Fahim, Houshang, Mavi, no.74, view.'article'<https://hawzeh.net>. 2018/06/30, 22/30 (in Persian).
- Farjad, Mohammad Hussein (1999), Social Pathology and Sociology of Deviations, Badr Publication (in Persian).
- Fathi Yeken, Imam Khomeini's School of Thought in the Face of Intellectual Deviations and American and Zionist Threats, in Facing Contemporary Threats in Imam Khomeini's Thought (in Persian).
- Fouladi, Mohammad (2010), The Factors of Emerging Social Harms and Its Preventive Ways, Journal of Knowledge, no.21 (in Persian).
- Ghorbani, Saeid (2017), Scientific Journal of 15th Khordad, History Research of Contemporary Studies, vol.3, Year 14 (in Persian).
- Ghorbani, Zein al-Abedin (2007), The Charter of Governing in the Letter of Imam Ali to Malik Ashtar, Rasht, Selar (in Persian).
- Habibzadeh, Mohammad Jafar & Elham, Gholam Hussein (1993), Theoretical Foundations of Imam Khomeini's 8-Article Decree, in Popular Government (in Persian).
- Harani, Ibn Shobah (1944), Tohaf al-Oghoul an Al al-Rasoul, corrected by Ghafari, Ali Akbar, Second Print, Qom, Islamic Publication (in Persian).
- Ibn Meisam (n.d.), The Description of Nahj al-Balagha, vol.5 (in Persian).
- Imam Khomeini, Rouhollah (1989), Sahifeh-e Imam, vol.17, Tehran, Imam Khomeini Publication (in Persian).

- Javadi Amoli, Abdollah (2012), Mafatih al-Hayat, Ninth Print, Qom, Isra (in Persian).
- Jodie, Hughes & Stone, Wendi (2003), The Life of Family and Society, Journal of Family Issues, Affiliated with the Australian Center for Family Studies, no.65 (in Persian).
- Johnson, Geneva, B., Head of the American Family Services Center (1991), Transforming the Family Natural Growth of People, Ohio State Conference, translated by Jalali, Zahra, quoted in the Journal of Day's Important Lectures, vol.57, no.13, p.393, 2012/07/05, quoted in the Collection of Articles on Family Pathology, Haghshenas, Seyed Jafar, 2009 (in Persian).
- Jordac, George (2001), Ali and Human Rights, A Comparison between Imam Ali's Principles and the Declaration of Human Rights, translated by Khosroshahi, Seyed Hadi, in Human Rights from the Perspective of Scholars, Bastehnegar, Mohammad, First Print, Tehran, Publishing Joint Stock Company (in Persian).
- Kargar Sharifabad, Malakeh (2016), Iran's Social and Cultural Harms, The 4th Scientific-Research Conference in Educational Sciences and Psychology, Iran's Social and Cultural Harms (in Persian).
- Khamenei, Seyed Ali, 2016/04/30 (in Persian).
- Khamenei, Seyed Ali, Supreme Leader (2014), Cultural Concerns, Seventh Print, Sahba Publication (in Persian).
- Koleini, Mohammad bin Yaghoub (n.d.), Al-Kafi, vol.2 (in Persian).
- Majlesi, Mohammad Bagher (n.d.), Behar al-Anvar al-Jameah Ledorar Akhbar al-Aemah al-Athar, Beirut, Dar Ehya al-Toras al-Arabi, vol.18.
- Maroufkhani, Mohammad Reza (2012), Reviewing and Analyzing Social Harms in Sharia Prays, A Master's Dissertation, University of Qom (in Persian).
- Mohammadi, Zahra (2004), A Study of Women's Social Harms during the Decade 1991-2001, Tehran, Women's Cultural-Social Council (in Persian).

- Motahari, Morteza (1975), A Review of Nahj al-Balagha, Tehran, Sadra (in Persian).
- Motahari, Morteza (2008), Sexual Ethics in Islam and West, Tehran, Sadra (in Persian).
- Motahari, Morteza (2008), The Causes of Materialism, 30th Print, Tehran, Sadra (in Persian).
- Ostadi, Reza (2000), 20 Sessions about the Agreement of Malik Ashtar, Tehran, Al-Eslamiah Darolkotb (in Persian).
- Rezaei, Ali Mohammad (2008), The Social Harms of Country's Security, Journal of Police's Organizational Development, no.15, January and February (in Persian).
- Sa'adatmand, Rasoul (2007), The Culture of Self-Construction and Service from Imam Khomeini's View, Second Print, Qom, Tasnim Publication (in Persian).
- Sharif Razi (n.d.), Nahj al-Balagha, Sheikholeslam Publication, Sermon 42 (in Persian).
- Siahpoush, Amir & Aghapour, Ali (2011), Culture from the View of Supreme Leader, Second Print, Tehran, Print and Publication (in Persian).
- Tamimi Amedi (1947), Ghorar al-Hekam va Dorar al-Kelam, searched by Derayati, Mostafa, vol.2, Qom, Islamic Propagation Office (in Persian).
- Zakeri, Ali Akbar (2009), The Ethics of Agents, Cultural Department of Imam Khomeini Commemoration Headquarter, Fourth to Tenth Print (in Persian).
- Zamani, Toubia (2010), Social Justice, a Comparative Study from Motahari's and Shariati's Views with a Sociological Approach, Tehran, Boghe Publication (in Persian).